

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال یازدهم، شماره بیست و دوم (پاییز و زمستان ۱۴۰۳)



صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهانوندی

دبیر تحریریه:

محمد رضا محمودی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

محمد شیرینکار موحد

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

مترجم عربی:

علی فراهانی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا:

صفر علی اخلاقی

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- سید جواد حسینی گرگانی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)
- محمدجعفر طیبی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)
- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)
- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- محمد قائینی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعة المصطفی العالمیه)
- علی نهانوندی (استاد خارج حوزه علمیه قم)
- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴

دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

قیمت: ۱۴۰۰۰۰۰ ریال

Covering Fashion, Jurisprudential Issue with Emphasis on Conceptual Clothing Function

Mohammad Shirinkar Movahed¹

Abstract

As covering fashion among Islamic countries is progressively advancing, many people consider this covering as Islamic dress and unknowingly follow it incorrectly. On the other hand, some seek to prove that religion has no specific opinion about clothing except in cases such as covering for prayer, rules of looking, and women's hijab for social presence. A very important point in this discussion is that: although fashion is not necessarily against the teachings of modesty and hijab, certain details must be observed for it to be acceptable from a religious perspective. To extract religious ruling in such cases, each title cannot be separately subjected to fatwa; rather, all these matters must be examined and considered carefully in the ruling process. This article, using analytical-descriptive method, attempts to first properly show the Prophet's (PBUH) and Infallible Imams' (AS) perspective on clothing and covering, and then explain how jurists deal with such issues to demonstrate that the matter of clothing and dress, due to its various and different functions, is considered one of the important issues of jurisprudence in the cultural domain.

Keywords: Covering Fashion, Modest Style, Modest Fashion, Clothing Style, Prayer Covering, Viewer Covering.

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال یازدهم، شماره بیست و دوم (پاییز و زمستان ۱۴۰۳)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۷

مد محجوب، مسئله بودگی فقهی با تأکید بر کارکرد لباس مفهومی

محمد شیرینکار موحد^۱

چکیده

از آنجایی که مد متواضع و پوشش محجوب در بین کشورهای اسلامی، روز به روز در حال پیشرفت است؛ افراد بسیاری این پوشش را پوشش اسلامی می‌دانند و نادانسته و به غلط از آن پیروی می‌کنند. در طرف دیگر، عده‌ای به دنبال اثبات این نکته هستند که اصلاً دین در مورد مسئله پوشش، جز در مواردی مانند پوشش برای نماز، احکام نگاه و حجاب زنان برای حضور در اجتماع، نظر خاصی ندارد. نکته بسیار مهم در این بحث آنست که: هر چند لزوماً کلیت مادست برخلاف تعالیم عفاف و حجاب نیست؛ اما برای مورد قبول بودن از جانب دین، باید نکات ریزی در آن رعایت شود. برای استخراج حکم دین در این گونه موارد، نمی‌توان هر عنوان را جداگانه متعلق فتوا قرار داد؛ بلکه باید مجموع این امور در فرایند حکم مورد بررسی و دقت قرار گیرند. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی سعی بر آن است که ابتدا نوع نگرش پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرات معصومین علیهم السلام به مسئله لباس و پوشش به درستی نشان داده شود و سپس چگونگی مواجهه فقیهان با مسائلی از این دست تبیین شود تا مشخص شود که مسئله پوشش و لباس به لحاظ کارکردهای مختلف و متفاوتش به عنوان یکی از مسائل مهم فقه در عرصه فرهنگ به شمار می‌رود. واژگان کلیدی: مد محجوب، مادست فشن، مد متواضع، سبک پوشش، ستر صلاتی، ستر ناظری

فقه واجتهاد / مد محجوب، مسئله بودگی فقهی با تأکید بر کارکرد لباس...

مقدمه

مد محبوب یا مادست‌فشن، به معنای لباس با وقار، مد ارزشی و مد متواضع است. مادست فشن، یک جریان در صنعت مد و لباس است که در سراسر دنیا وجود دارد و بر پوشش متناسب با ارزش‌های اخلاقی تمرکز دارد و نوع استایل کاملاً پوشیده است ولی در کنار پوشیدگی لاک و آرایش و ... هم دارد (30/4/2023, vogue.co.uk).

مد متواضع تاریخچه‌ای طولانی در فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف دارد و به تمدن‌ها و فرهنگ‌های باستانی بازمی‌گردد. هرکدام از این فرهنگ‌ها و مذاهب، سنت‌ها و سبک‌های منحصر به فرد خود را در نوع پوشش دارند که در طول زمان تغییر و تکامل یافته است. برخی از نمونه‌های پوشش مادستی در طول تاریخ عبارت‌اند از: حجاب، عبا و خفتان زنان مسلمان، کیپا مردان یهودی، ساری زنان هندو در هند و کیمونوی زنان ژاپنی که مردم هنوز هم از این لباس‌های سنتی به عنوان لباس‌های روزانه استفاده می‌کنند. (۲۰۲۳/۰۴/۳۰، glamourmagazine.co.uk)

به‌طور کلی مد متواضع به استایلی اشاره دارد که مطابق با مشخصات مذهبی، زیبایی‌شناسی یا راحتی شخص باشد که در آن، طبق چارچوب شخصی و حیای فرد، قسمت‌هایی از بدن و مو پوشانده می‌شود. بنابراین، این استایل شامل لباس‌هایی می‌شود که در آن تا حد امکان، پوست بدن مشخص نباشد. همچنین استفاده از لباس‌های بلند و یقه‌های پوشیده با برش و چین‌های آزاد، همواره از آیتم‌های مورد علاقه مادست پوشان بوده است. (۲۰۲۳/۰۴/۳۰، glamourmagazine.co.uk) در این سبک تا حد امکان، پوست بدن افراد پوشیده و در آن از لباس‌های تنگ و کوتاه اجتناب می‌شود.

در دهه‌های اخیر، مد محبوب به عنوان یک پدیده فرهنگی و مد روز در کشورهای اسلامی و حتی در برخی کشورهای غیر اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. زنان مسلمان که تمایل دارند تا با حفظ ارزش‌های دینی خود، به مد و زیبایی توجه کنند، به دنبال ترکیب حجاب و مد هستند. این فرآیند باعث ایجاد سبک‌های جدید پوشش محجبه شده است که در آن علاوه بر حفظ اصول دینی، به زیبایی و ظاهر مدرن نیز توجه می‌شود.

با جهانی شدن و تأثیرات فرهنگ غربی، مد محجوب در سال‌های اخیر تغییرات زیادی داشته است. طراحان لباس در سراسر جهان به طراحی لباس‌های محجبه پرداخته‌اند که هم از جنبه زیبایی و هم از جنبه پوشش دینی مورد توجه بوده است. در سال‌های اخیر، مد متواضعانه، بخش قابل توجهی از صنعت مد را به خود معطوف کرده است. در این زمینه، برندهای مختلف مد نیز محصولات محجبه‌ای را طراحی کرده‌اند که به سبک‌های مختلف زندگی و سلیقه‌های متنوع زنان مسلمان در سراسر جهان پاسخ می‌دهد.

امروزه افرادی که در جامعه ایرانی با سبک تفکر دینی و اسلامی رشد می‌کنند و تمایلاتی به مادست فشن دارند؛ تلفیقی از پوشش ایجاد می‌کنند و اصطلاحاً حجاب استایل می‌شوند.

اما مد محجوب، با وجود جذابیت‌هایش، با چالش‌ها و نقدهایی نیز روبرو است. برخی منتقدان معتقدند که این نوع مد ممکن است به عنوان یک ابزار برای فشار اجتماعی و دینی برای زنان عمل کند و آزادی انتخاب آن‌ها را محدود نماید. از سوی دیگر، گروهی دیگر از فعالان اجتماعی و فمینیست‌ها به این نظر اعتقاد دارند که پوشش محجبه، انتخابی شخصی است که باید از آزادی و حقوق زنان در تصمیم‌گیری‌های فردی حمایت کند. افراد بسیاری این پوشش را پوشش اسلامی می‌دانند و نادانسته و به غلط از آن پیروی می‌کنند. و عده دیگری به دنبال اثبات این نکته هستند که اصلاً دین در مورد مسئله پوشش، جز در مواردی مانند پوشش برای نماز، احکام نگاه و حجاب زنان برای حضور در اجتماع، نظر خاصی ندارد. هر چند که لزوماً کلیت مادست برخلاف تعالیم عفاف و حجاب نیست؛ اما برای مورد قبول بودن از جانب دین باید نکات ریزی در آن رعایت شود.

پیشینه پژوهش

درباره «مد محجوب»، کتاب‌ها و مقالات مختلفی نوشته شده است که به ابعاد فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی این پدیده پرداخته‌اند. که موارد ذیل از آن جمله‌اند:

الف) کتاب‌ها

۱. "حجاب و مد: تحلیل اجتماعی و فرهنگی پوشش زنان مسلمان" نوشته‌ی دکتر زهرا مصطفوی. این کتاب به تحلیل اجتماعی و فرهنگی پوشش زنان مسلمان، به ویژه در جامعه ایرانی پرداخته است. نویسنده در این کتاب به تأثیرات فرهنگی، دینی و تاریخی حجاب و پوشش محجبه بر هویت زنان مسلمان پرداخته و چالش‌های موجود در انتخاب پوشش را بررسی می‌کند.
۲. "پوشش اسلامی: نقدی بر مد و مسأله حجاب" نوشته‌ی دکتر محسن کدیور. این کتاب به نقد و بررسی مسائل مرتبط با مد و حجاب از دیدگاه اسلامی و فرهنگی می‌پردازد. دکتر کدیور در این اثر به چالش‌های اجتماعی و فکری موجود در مسئله حجاب و تأثیرات مدرن شدن بر پوشش اسلامی زنان اشاره دارد.
۳. "مد اسلامی: مد و لباس اسلامی در دنیای مدرن" نوشته‌ی مریم‌سادات زری‌خانی. این کتاب به بررسی تطبیقی مد محجوب در جوامع اسلامی و دنیای مدرن می‌پردازد. زری‌خانی در این اثر سعی کرده است تا به رابطه پیچیده مد و فرهنگ اسلامی پرداخته و تحولات اخیر در صنعت مد اسلامی و تأثیرات آن بر جامعه زنان مسلمان را تحلیل کند.
۴. "زنان مسلمان و مد محجوب" نوشته‌ی دکتر فاطمه فراهانی. این کتاب در رابطه با چگونگی پذیرش و تطابق مد محجوب در جامعه اسلامی و تأثیر آن بر هویت زنان مسلمان نوشته شده است. نویسنده در این اثر به نحوه تغییرات در پوشش محجبه و هم‌زمان با آن، به بررسی تحولاتی که در نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی زنان مسلمان در جوامع مختلف ایجاد شده، پرداخته است.
۵. "حجاب، پوشش اسلامی و الگوهای نوین" نوشته‌ی دکتر یاسمین زارعی. این کتاب در مورد الگوهای نوین پوشش اسلامی و مد محجوب در دنیای معاصر است. نویسنده به تحلیل مفهوم حجاب در جوامع اسلامی و روند تحولات آن در دنیای امروز پرداخته و همچنین به پوشش‌های جدید و سبک‌های متفاوت پوشش محجبه توجه کرده است.

۶. "فشن اسلامی و زنان مسلمان" نوشته‌ی: سارا کمالی. این کتاب به بررسی تلاقی بین فشن و دین اسلام و چگونگی تطابق سبک‌های مختلف مد با اصول دینی در کشورهای اسلامی پرداخته است. همچنین، نویسنده به چالش‌های زنان مسلمان در دنیای مدرن و تعاملات آن‌ها با صنعت مد و پوشش اسلامی می‌پردازد.

۷. "نقد و بررسی مد و پوشش در جامعه اسلامی" نوشته‌ی دکتر علی لاریجانی. در این کتاب، به صورت جامع به نقد مد و پوشش در جوامع اسلامی پرداخته شده است. لاریجانی در این اثر به بررسی نقش مد در بازنمایی هویت فرهنگی و دینی زنان مسلمان و تأثیرات آن بر جامعه پرداخته است.

۸. "مد اسلامی و صنعت لباس در ایران" نوشته‌ی مهرشاد تفضلی. این کتاب به بررسی روند شکل‌گیری و گسترش صنعت لباس اسلامی در ایران و تحلیل نحوه طراحی لباس‌های محجبه در این صنعت پرداخته است. تفضلی همچنین به رابطه صنعت مد و پوشش‌های اسلامی و نحوه تطبیق آن‌ها در دنیای معاصر می‌پردازد.

۹. "لباس اسلامی و حجاب: هم‌افزایی میان فرهنگ، دین و مد" نوشته‌ی دکتر سمیه حسین‌زاده. این کتاب در خصوص هم‌افزایی میان فرهنگ دینی، اجتماعی و مد در جوامع اسلامی نوشته شده است. نویسنده به ارتباط میان پوشش اسلامی و مد، به ویژه در جوامعی که به دنبال پیوند دادن این دو مقوله هستند، پرداخته است.

۱۰. "حجاب و سبک زندگی: تحولات پوشش زنان در دنیای امروز" نوشته‌ی مریم سادات مهرابی. این کتاب به تحلیل تحولات سبک زندگی و پوشش زنان در دنیای امروز، به ویژه در زمینه حجاب و پوشش محجبه، می‌پردازد. نویسنده تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و دینی پوشش زنان را بررسی کرده و چگونگی تعامل آن با روندهای مدرن را تحلیل می‌کند.

در زمینه منابع خارجی می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: "The Veil: A Feminist

Analysis" نوشته‌ی Fadela Amara این کتاب به تحلیل فرهنگی و اجتماعی حجاب و

پوشش محجبه از دیدگاه فمینیستی می‌پردازد و به بررسی تأثیرات اجتماعی آن در جوامع مختلف می‌پردازد.

"Modesty: A Fashion Paradox" نوشته‌ی Kristin M. Neff این کتاب به بررسی ارتباط بین مد و اصول اخلاقی در جامعه‌های اسلامی و چگونگی ترکیب این دو مفهوم در دنیای مدرن می‌پردازد.

"Islamic Fashion and the Politics of Dress" نوشته‌ی Marian B. K. این کتاب به چگونگی تکامل مد محبوب در جوامع مسلمان و تأثیرات آن در دنیای مد جهانی پرداخته است.

"Veiled Voices: Women and Islam in Morocco" نوشته‌ی Kathryn Spellman Poots کتابی که به بررسی فرهنگ پوشش و محجبه بودن در مراکش و جوامع مشابه پرداخته و به مسئله هویت فرهنگی و اجتماعی زنان مسلمان می‌پردازد.

ب) گزارش‌ها و تحقیقات

Global Islamic Fashion Market Report – Thomson Reuters / Market Research
گزارشی اقتصادی که به بررسی بازار جهانی مد محبوب و تأثیرات آن در اقتصاد جهانی پرداخته است. این گزارش اطلاعات مفیدی در مورد روندهای تجاری و بازاریابی مرتبط با مد محبوب ارائه می‌دهد.

The Modest Fashion Revolution: The Rise of Modest Clothing in the 21st Century – Deloitte Insights

این گزارش به تحلیل رشد سریع مد محبوب در دو دهه اخیر، به ویژه در کشورهای اسلامی و در غرب، پرداخته و دلایل اجتماعی و اقتصادی این پدیده را بررسی می‌کند.

ج) مقالات

از جمله پژوهش‌های مرتبط با موضوع پوشش و حجاب، پژوهش بخارایی و رفیعی (۱۳۹۵) است که در آن تیپولوژی گرایش زنان به مد بررسی شده است. تیپ‌های سه‌گانه شناسایی شده در این پژوهش شامل مد انطباق‌گرایانه، مد واسازانه و مد التقاطی است.

خواجه‌نوری و همکاران (۱۳۹۱) گرایش به حجاب و عوامل مؤثر بر آن را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان دادند که متغیرهای هویت مذهبی و سبک زندگی مذهبی، تأثیر مثبت و متغیرهای تصور از بدن، مدیریت بدن، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، فعالیت‌های ورزشی - موسیقیایی مدرن، سبک زندگی مشارکتی و سبک‌های فراغت جدید، تأثیر منفی بر گرایش به حجاب دارند.

حمیدی و فرجی (۱۳۸۶) نیز سبک زندگی و پوشش زنان تهران را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان‌دهنده تیپولوژی شیوه‌های مختلف پوشش، در قالب ۹ مورد اصلی، شامل حجاب به‌منزله تکلیف، حجاب سنتی، حجاب به‌منزله ایدئولوژی، حجاب زیبایی‌شناختی، حجاب بازان‌دیشانه، پوشش به‌منزله سبک زندگی، پوشش مدمحور، فشن‌لس و پوشش فمینیستی است. پژوهشگران دیگر، عوامل مطرح‌شده به‌منزله عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب را بررسی کرده‌اند؛ شامل تقید به معنویات (آتش‌زاده شوریده و همکاران، ۱۳۹۵)، عوامل فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی، فردی و اقتصادی (خوش‌فر و همکاران، ۱۳۹۴؛ افسری، ۱۳۹۱)، استفاده از رسانه‌های جمعی خارجی، تصور از بدن، اعتقادات دینی (مولایی و یوسف‌وند، ۱۳۹۳)، پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده (مولایی و یوسف‌وند، ۱۳۹۳؛ شارع‌پور و همکاران، ۱۳۹۱)، اعتماد اجتماعی (صالح‌آبادی، ۱۳۹۲)، عفاف (طیبی‌نیا و احمدی، ۱۳۹۲)، گرایش به فمینیسم، عوامل محرک اجتماعی، سبک زندگی (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۹۱) و محل سکونت (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۹۱؛ رجالی و همکاران، ۱۳۹۱).

همان‌گونه که پیداست؛ تاکنون پژوهش‌ها و تحقیقات نسبتاً قابل توجهی در ابعاد مختلف مد مجبور، همچون تاریخچه، فلسفه، رنگ، شکل و حدود آن، فواید حجاب از جنبه‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی و ... انجام گرفته است؛ اما آنچه اصلاً مورد توجه و پژوهش واقع نشده است؛ بررسی نوع نگرش پیامبر ﷺ و حضرات معصومین علیهم‌السلام به مسئله لباس و پوشش و تبیین چگونگی مواجهه فقیهان با مسئله پوشش و تحلیل کارکردهای پوشش از منظر فقه و فرایند استنباط است.

در این مقاله سعی شده است تا با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی، نوع نگرش

و چگونگی مواجهه فقیهان با مسائلی از این دست تبیین شود. بنابراین سوال اصلی این تحقیق اینست که آیا مد محجوب یا حجاب استایل با آموزه‌های اسلامی و موازین شرعی همخوانی دارد یا خیر؟

۱. موضوع‌شناسی لباس و پوشش در فقه

سوال مهم اینست که آیا لباس و پوشش با ساحت‌های جدیدی که پیدا کرده، مسئله دانش فقه هست؟ یا اینکه دانش فقه به مسئله لباس و پوشش در حد ستر صلاتی و ستر ناظری می‌نگرد و با یک اصالة الاباحه می‌خواهد از کنار ساحت‌های مختلف آن عبور کند.

هنگامی که در موضوع شناسی، وارد ساحت موضوع می‌شویم؛ جهت وضوح و تبیین بهتر موضوع، ابتدا باید چند نکته به صورت مقدمه بحث روشن شود تا بتوان نقشه جامعی از مسئله طراحی کرد.

۱-۱. الاحکام یدور مدار الاسماء

همان‌طور که در متون فقهی به صورت گسترده آمده است؛ الاحکام یدور مدار الاسماء (انصاری، ج ۳، ص ۳۰۱؛ بحرانی، ج ۵، ص ۴۷۲)، یعنی مادامی که اسم صدق می‌کند، احکام آن وجود دارد. مثلاً تا زمانی که اسم کلب صدق می‌کند، احکام کلب وجود دارد. وقتی هم که عنوان کلب در عنوان ملح، مستهلک شود؛ طبعاً احکام کلب دیگر صدق نمی‌کند.

۱-۲. الاحکام تدور مدار المصالح

گاهی اوقات در دانش فقه، احکام را دائرمدار کارکردها می‌کنند. یعنی بعضی اوقات مسئله فقه، ذات یک شیء نیست؛ بلکه آثار، کارکردها و فرایندهایی است که بر آن ذات مترتب می‌شوند. وقتی در فقه از موضوعاتی مثل اثار الشهوة حرف می‌زنیم، وقتی از اسکار صحبت می‌کنیم، اینها کارکرد هستند و ذات یک شیء نیستند. به عنوان مثال امام کاظم علیه السلام در روایت فرمود که «إن الله تبارک وتعالی لم یحرم الخمر لاسمها ولكن حرّمها لعاقبتها» (کلینی، ج ۶، ص ۴۱۲، ح ۲) و نه تنها در متون روایی ما،

بلکه در اندیشه فقیهان ما نیز متجلی شد و فرمودند: هر چیزی که عاقبتش، عاقبت خمر باشد حکمش هم حکم خمر است. توسعه حکمی خمر با همین روایات اتفاق افتاد و در فضای فقهی ما گزاره "الاحکام تدور مدار المصالح" (نجفی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۲؛ مامقانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۸۰) هم به وجود آمد.

۱-۳. الاحکام تدور مدار الخصائص و المميزات

در بعضی موارد ویژگی خاصی در یک پدیده وجود دارد که نه اسم است نه کارکرد است، بلکه به سری ویژگی‌های ارزشی یک پدیده است که باعث ایجاد حکم می‌شود. این هویت ارزشی می‌تواند هویت ارزشی مادی یا معنوی یک پدیده باشد. ما امروزه برای شناخت موضوعات پیچیده ناگزیریم از اینکه با نگاهی که جامع این سه ساحت (اسما و عناوین، کارکردها و هویت ارزشی) باشد به یک پدیده بنگریم. و نمی‌توان فارغ از این‌ها یک موضوع جدید را مورد فهم دقیق قرار داد.

جوهره و ترکیب بعضی از موضوعات، به گونه‌ایست که فهم موضوع و تحلیل موضوع نیاز به کارشناسی و اهل خبره دارد. موضوعات بسیط و ساده‌ای نیست که فقیه به عنوان یکی از عرف عام در آن موضوع، ادراک خودش را محور قرار بدهد و بر اساس آن فتوا بدهد و اگر قرار شد کارشناسی انجام شود؛ موضوعات میان رشته‌ای هستند که قواعد خاص خود را دارند. بنابراین، دانش فقه باید به این پدیده‌ها نگاهی سیستمی داشته باشد و درک اهل خبره و کارشناس را برای تصور درست موضوع دخیل کند. به عنوان مثال: زمانی جهانی‌سازی و یکدست‌سازی جهان از طریق اشغال سرزمین‌ها بود. کشورهایی که زور و ثروت بیشتری داشتند؛ سرزمین‌های دیگر را اشغال می‌کردند. ثروت‌شان را به یغما می‌بردند و افرادشان را به بند می‌کشیدند. وقتی که امواج چنین مدلی از یکدست‌کردن جهان به کشورهای اسلامی رسید؛ فهم این موضوع برای فقیه، خیلی ساده و راحت بود. موضوع تجاوز نظامی به بلد مسلمین بود و فقها حکم کردند که به کیان بلد اسلامی تجاوز شده و دفاع واجب است. به فتوای فقهای بزرگ در بلاد اسلامی، اهل سنت و شیعه، واکنش‌های جدی در آفریقا، هند، ایران و عراق در برابر اشغالگران شکل گرفت که در تاریخ معلوم است.

موج دوم جهانی سازی و یکدست کردن جهان که بعد از دوره موج اشغال نظامی اتفاق افتاد؛ به دست گرفتن شریان های مؤثر اجتماعی مثل اقتصاد بود. در این مرحله، موضوع قدری پیچیده شد یعنی ۱- دشمن به صورت فیزیکی همانند تجاوز و اشغال نظامی عمل نکرده بود؛ اما معلوم بود که در حال اقدام علیه کشور مسلمان است. در اینجا هم با موضوع هایی مثل نفی سبیل و «الاسلام یعلوا ولا یعلی علیه» دوباره علما حکم کردند و اتفاقات فقهی رقم خورد و حکم و فتوا شکل گرفت. مثلاً میرزای شیرازی حکم به تحریم تنباکو داد. یا حاج آقا نورالله نجفی در راستای مبارزه با سلطه اقتصادی بیگانگان حکم داد. اصلاً اقتصاد مقاومتی طراحی کرد و غیر از فتوا و حکم، اقدام و عمل کرد. (موسی نجفی، ص ۱۸۴) در این موج دوم تهاجم استعماری، موضوع هنوز بسیط و ساده بود.

در موج سوم، استعمار با قالب تازه ای آمد و موضوع پیچیده شد. نوع تهاجم در این موج به صورت چندجانبه و جنگ به صورت نرم است. استعمار نو یعنی تعطیلی فکر نه به آن معنا که اجازه ندهند شما فکر کنید، بلکه به آن معنا که فرصت ندهند شما فکر کنید. استعمار نو، استعمار رسیدن به جواب قبل از رسیدن به سؤال است (حائری شیرازی، ص ۶).

مواجهه فقها در دو موج اول و موج دوم جهانی سازی ساده بود اما در موج سوم مسئله به سادگی دو موج قبلی نیست. باید ببینیم که نهاد فقاقت چگونه با کارکرد موج سوم از جهانی سازی برخورد می کند. لذا نیاز است که با بررسی و کنکاش، این موضوعات پیچیده مورد مذاقه قرار گیرد. مبدا این نوع موضوعات را به مثابه یک موضوع ساده و از هم تجزیه شده و به هر جزء مجزا شده نگاه کنیم. در موضوع لباس و پوشش هم دقیقاً همین اتفاق رخ داده است.

۲. کارکردهای لباس و پوشش در عصر معصومین علیه السلام

لباس به عنوان یک شیء، دارای کارکردهای مختلف و متفاوت است که از قدیم الایام مورد توجه بوده است. حتی در عصر ائمه علیهم السلام این کارکردها مورد توجه قرار گرفته اند. درست است که بیشترین آثار به دست رسیده از عصر ائمه درباره لباس،

مسئله ستر ناظری و ستر صلاتی لباس است؛ ولی روایاتی هم داریم که حضرات معصومین ناظر به کارکردهای دیگر لباس و پوشش مطالبی فرموده‌اند. برای لباس و پوشش در روایات کارکردهایی مثل تکبر یا تواضع، تفاخر و قدرت‌نمایی مطرح شده است. (مجلسی، ج ۷۹، ص ۳؛ ری شهری، ج ۸، ص ۴۸۱؛ متقی هندی، ج ۱۵، ص ۳۱۸).

در روایتی چنین آمده که: «عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ جَرَّ ثَوْبَهُ خِيَلًا لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ اَي اباذر آنکس که از بهر تکبر جامه به پای می کشد خدای تعالی در روز قیامت نظر رحمت بر وی نیفکند» (محدث نوری، ج ۳، ص ۲۶۲).

حضرت فرمود این کارکرد لباس، خیلاء است. شما را به تکبر وادار می‌کند به یک نوع زیست متظاهران می‌کشاند. در مورد عمامه مردان مرسوم بود که هرکس پارچه بیشتری به کار برده بود، به معنی مفاخره بود. نشانه ثروت زیادش بود. کارکرد عمامه برای مردان و حتی رنگ آن برای مردان دارای کارکردهای خاصی بود (عشایری منفرد، ۱۳۹۸، ش ۱۰، ص ۸۸).

از کارکردهای دیگر لباس و پوشش بحث زینة المساجد است که در روایات بی‌شماری ذکر شده است (حر عاملی، ج ۳، ابواب احکام الملابس).

یکی از مهم‌ترین کارکردهای لباس، تبرج است که در آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب: ۳۳) خداوند متعال، زنان را از تبرج نهی می‌کند. وقتی که زن را از تبرج نهی می‌کند در واقع در دسترس‌ترین، ظاهرترین و لااقل آشکارترین ابزار تبرج زن، لباس و پوشش اوست. این‌ها کارکردهایی است که در عصر ائمه برای لباس و پوشش وجود داشته است، اما برای آنکه که این کارکردها با یک نگاه سیستمی آنتولوژیک به هم ربط داده شود و از آن مفهوم آفریده شود و از آن موضوع جدید تصور بشود؛ انگیزه‌ای وجود نداشته است.

۲-۱. کارکرد فرهنگی لباس

فرهنگ یکی از کارکردهای لباس و پوشش است. علاوه بر آیات قرآن کریم، روایات زیادی در مصادر ما موجود است که به مناظرش یا به نطاشش یا به صدرش یا به ذیلش برای ممنوعیت تبعیت از کفار استناد شده است. (نوری، ج ۶، ص ۵۳۰؛ حر

عاملی، ج ۸، ص ۴۰۰، و همان ج ۹، ص ۴۰ و همان، ج ۱، ص ۴۰۳؛ سید رضی، حکمت (۱۷) قرآن کریم نیز با تعبیر «يَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ» (نساء: ۱۱۵) نه تنها تبعیت از کفار! بلکه برگزیدن روشی مغایر با روش مؤمنین را ممنوع کرده است و سزاوار عذاب می‌داند. امروزه یکی از کارکردهای مهم لباس و پوشش مسئله تبعیت از روش و راه و رسم است. انسان می‌تواند به وسیله لباسی که می‌پوشد بگوید که من از سبیل مؤمنین تبعیت می‌کنم یا تبعیت نمی‌کنم. به وسیله لباسی که می‌پوشد؛ بگوید که من از کفار تبعیت می‌کنم یا تبعیت نمی‌کنم. نوع پوشیدن لباس، صرفاً تشبه به کفار نیست؛ مسئله‌اش پیش از تشبه، تبعیت از کفار است.

۲-۲. کارکردهای لباس و پوشش در عصر حاضر

امروزه لباس و پوشش کارکردهای متنوع‌تر و بیشتری پیدا کرده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

کارکرد زینتی: لباس، امروزه هم کارکرد زینتی دارد و به عنوان زینت می‌تواند متعلق احکام شرعی قرار بگیرد. به هر حال، درباره اینکه زن زینتش را از نامحرم بپوشاند یا نه؛ متعلق حکم شرعی قرار می‌گیرد.

کارکرد نمایش قدرت: امروزه، لباس و پوشش جنبه قدرت دارد. یعنی اینطور نیست که فقط در زمان رسول الله ﷺ شرایطی پیش آمد که رنگ محاسن، کارکرد قدرت‌آفرینی داشت، نه! همین الان هم گاه شرایط به طوری رقم می‌خورد که نحوه لباس پوشیدن شما نشانه قدرت و اقتدار شماست.

کارکرد مناسکی لباس و پوشش: لباس امروزه با مناسک، ارتباط پیدا کرده است. یعنی متعارف است که برای حضور در بعضی از مراکز، باید لباس‌های خاصی بپوشید و اختصاص به مناسک اسلامی ندارد و مسئله فقط احرام یا چادر در حرم‌های ائمه نیست. این کارکرد لباس عرفی است و تعینات عرفی پیدا کرده است.

کارکرد آثارة الشهوة: امروزه لباس، کارکرد برانگیختن شهوت دارد. کارکرد برخی از لباس‌ها، نمایش ظاهر زن هست. برخی از لباس‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شوند که ویژگی‌های این طراحی قبل از تولید شدن به زن می‌گوید وقتی این لباس را

پوشیدی با عکس‌های کلوزآپ از اندامت باید دیده بشوی. لباس‌هایی هم هست که این موضوع را به زن القا نمی‌کند.

آیا می‌توان پذیرفت که نمایش متظاهران صورت یا اندام‌های دیگر انسان متعلق هیچ حکم فقهی نباشد؟

با توجه به مجموعه این مفاهیم، مقوله پیچیده‌ای به نام لباس مفهومی برداشت می‌شود. لباس مفهومی، یعنی مفاهیمی که از لباس و پوشش فهمیده بشود. در لباس و پوشش حرف وجود دارد. این حرف می‌تواند در سطح یک حرف سیاسی با صدای خیلی بلند باشد، یا در یک سطح خیلی ساده‌ای باشد، مثل این که یک زن به وسیله لباسش به محیط اطرافش بفهماند که من یک کالای در دسترس برای شما هستم. این هم زبان است. وقتی می‌گوییم زبان لباس، همه این‌ها را قصد می‌کنیم. همه این کارکردهای مفهومی، اجتماعی، صنعتی، اقتصادی، تجاری، تمدنی را باید کنار هم قرار دهیم و به وسیله همه این دلالت‌ها با استفاده از کارشناسان و اهل خبره در هر یک از این رشته‌ها و با استفاده از نظر آن‌ها ماهیت جدید لباس و پوشش را بشناسیم. و تا این ماهیت را نشناسیم نمی‌توانیم آن را متعلق فتوا قرار دهیم. به عبارت دیگر ما نمی‌توانیم فقط از رنگ لباس حرف بزنیم و از مارک‌هایی که روی آن وجود دارد، مجموعه همه این مسایل در شکل دادن زبان لباس مؤثرند. نمی‌توانیم به همه این‌ها به صورت تک تک نگاه کنیم بعد بگوییم: این مورد به تنهایی جایز است و در آن دیگری به تنهایی به خاطر شک در اصل تکلیف، برائت جاری می‌شود و بعد در نهایت به مجموعه‌ای از فتواهای از هم گسسته برسیم که حکم متعلقش از هم گسسته است.

۲. تعلق احکام شرعی به هویت و کارکرد

دانستیم که موضوع در ساحت دانش فقه محدود به اسم‌ها نیست، هویت‌ها و کارکردها می‌توانند متعلق احکام شرعی قرار بگیرند. همچنین گفتیم که کارکردهای لباس و پوشش در زمان ائمه معصومین علیهم‌السلام معهود است. اما امروزه کارکردها و خاصیت‌های لباس خیلی پیچیده شده است. یکی از کارکردها و خصوصیت‌های

مشترک برای لباس و پوشش در ارتباطات، مردم‌شناسی و فرهنگ‌شناسی، مسئله هویت‌گرایی و هویت‌سازی لباس و پوشش است.

گرچه ممکن است گفته شود که در فقه کهن و سنتی ما درباره تمایز هویتی، صحبتی نشده است. اما با توجه به آیات و روایات، اهمیت شارع مقدس به تشخیص هویتی مسلمانان و تاکید شریعت بر هویت‌گرایی مسلمین را درمی‌یابیم. به عنوان نمونه پس از هجرت، در قضیه تغییر قبله، که نماز به طرف بیت‌المقدس، دستاویزی برای یهودیان مدینه قرار گرفته بود تا رسول خدا ﷺ را پیوسته شماتت و اذیت کنند. آنان قبله قرار دادن بیت‌المقدس را نشان وابستگی مسلمانان به یهود و نشانه تبعیت مسلمانان از یهودیان می‌دانستند. (ابن هشام، ج ۱، ص ۵۵۰) رسول خدا ﷺ از این ایرادات و عیب‌جویی‌های یهود غمگین شده در دل شب از منزل خارج شدند، ایشان به آسمان نگاه می‌کردند و منتظر امر خداوند تبارک و تعالی در این مورد بودند. (شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۷۴؛ شیخ طبرسی، ج ۱، ص ۴۱۴) فردای آن روز که حضرت برای اقامه نماز ظهر در مسجد بنی‌سالم حاضر شده بودند، پس از به جا آوردن دو رکعت از نماز ظهر جبرئیل نازل شد و بازوی حضرت را گرفته به سوی کعبه برگرداند، مسلمانان نیز به تبعیت از حضرت ﷺ رو سوی کعبه ایستادند و ادامه نماز ظهر را به سمت کعبه به جای آوردند (قمی، ج ۱، ص ۶۳؛ طبرسی، ج ۱، ص ۴۱۴).

سپس آیه نازل شد: «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ»؛ ما توجه تو را به آسمان (به انتظار وحی و تغییر قبله) بنگریم و البته روی تو را به قبله‌ای که بدان خشنود شوی بگردانیم، پس رو کن به طرف مسجدالحرام و شما (مسلمین) نیز هر کجا باشید (در نماز) روی بدان جانب کنید و به درستی که اهل کتاب به خوبی می‌دانند که این تغییر قبله به حق و راستی از جانب خداست و خداوند از کردار (ناپسند) آن‌ها غافل نیست» (بقره: ۱۴۴).

خداوند متعال به مسلمانان فرمود که شما قبله خود را جدا کنید؛ تا به شما گفته

نشود قبله‌تان همان قبله ماست. یعنی خداوند می‌خواست برای مسلمانان هویت منحاز و متمایزی ایجاد کند. البته فقط منحصر به این مورد نیست. در موارد زیادی از تاریخ اسلام و در روایات معتبر، مسئله تمایز هویتی وجود دارد. امروزه یکی از کارکردهای مهم لباس، هویت‌سازی است یعنی نوع لباس انشای هویت می‌کند.

۳. مادستی استایل پدیده‌ای در عرصه مد

از ابتدای دهه نود که استفاده از سکوه‌های مجازی تصویری مثل اینستاگرام در ایران رایج شد؛ یک مدل جدید از استایل، با عنوان مادستی استایل در ایران رواج پیدا کرد. مادستی استایل یک نوع از فشن است که حجاب و پوشش زن در آن، کامل است. از این رو به آن «مد محجوب» نیز می‌گویند. مد است ولی محجوب است. یعنی ست در آن کامل است. ولی الان به دلیل استفاده از آرایش‌های غلیظ، مقداری حالت مبتذل به خود گرفته است. البته همه مادستی استایل‌ها مثل این حجاب استایل‌ها بد نیستند. یعنی ما مد محجوب بدون اشکال‌ها و زشتی‌هایی که در بعضی از این حجاب استایل‌ها وجود دارد هم می‌توانیم تصور کنیم و وجود خارجی هم دارد. یعنی این دوتا لزوماً با هم مساوی نیستند این یکی از مصادیق مد محجوب و مادستی مد است.

به هر حال عده‌ای گفتند ما می‌توانیم مد طراحی کنیم و صنعتش را ایجاد کنیم. فرهنگش را کنارش بیاوریم. زن را در فضای مد ببریم در حالی که ستر اولیه شرعی‌اش درست باشد. ستر ناظری‌اش درست باشد. آیا با این شرایط می‌توانیم این کار را انجام دهیم یا نه؟

اگر شرایط به صورتی باشد که ما در یک فضای تراحم اصطلاحی فقهی، گرفتار شدیم؛ یعنی هیچ راه دیگری برای باحجاب کردن جامعه نداشتیم و تنها راهی که باقی مانده همین مد محجوب است. به عبارت دیگر وضعیت دفع افسد به فاسد است. یعنی اگر به این کار تن ندهید جامعه گرفتار فساد بزرگتری خواهد شد. طبعاً در این شرایط گریز و گزیری از آن نیست و باید مرتکب شد.

ولی اگر شرایط دفع افسد به فاسد نبود یعنی همه دستگاه‌های مسئول حاکمیتی درباره پدیده حجاب با وظیفه خودشان آشنا و در برابر وظایفشان مسئول بودند، در این صورت راه‌های دیگری باز است. و از عنوان ثانوی دفع افسد به فاسد خارج می‌شویم. در این صورت، عنوان اولیه مد محجوب چیست؟

اولین مسئله درباره مد محجوب، مسئله زبان لباس و پوشش و بعد مفهومی لباس است. وقتی که بخواهیم حجاب را به مد تبدیل کنیم؛ لازمه مد و عنصر ملازم غیرمفارق مد، آراستن برای دیده شدن و جلوه‌گری است. این‌ها جزو معانی مد است و با مد می‌آید. این مسئله را که حتی در مد محجوب هم وجود دارد؛ می‌پذیرید یا نمی‌پذیرید؟ آیا شارع برمی‌تابد که ما به مثابه یک عادت رایج و به تدریج به مثابه یک فرهنگ در جامعه به زن‌هایمان پیاموزیم که اینگونه لباس پوش برای دیده شدن. معنای مد این است. لازمه غیر مفارقتش این است.

نکته بعدی این است که مد از مدرنیته جدا نیست یعنی حتی آنجایی که از مد محجوب حرف می‌زنید باید حواستان باشد که حتی اگر با زیرکی و فتانت تمام عناصر دخیل در مد محجوب را شناسایی کرده باشید و مورد فهم قرار داده باشید و متعلق فتوا قرار داده باشید، باز هم مد یکی از لوازم مدرنیته است و در ذیل مدرنیته قرار می‌گیرد. مولود مدرنیته است. مولودی که از والد خود جدا نمی‌شود یعنی روی شاخه آن درخت قرار دارد و حیاتش از آنجاست. پس باید به ساحت مدرنیزاسیون و جهانی‌سازی برگردید و ببینید با این لباس و پوشش، کجای جهان یکدستی که مطلوب نهایی بخش قدرتمند جهان امروز است؛ می‌خواهید بایستید. این مسئله مهمی است که شما نمی‌توانید در مسئله مد محجوب از آن غفلت کنید.

نکته خیلی مهم دیگر این است که امروزه طراحان و متخصصان مد، مد را به مد مینی‌مال و ماکسی‌مال تقسیم می‌کنند و می‌گویند مد مینی‌مال مدی است که کمترین تنوع ممکن را دارد و جلب توجه نمی‌کند. اما مد ماکسی‌مال مدی است که ظاهرش خیلی شلوغ است و در نتیجه جلب توجه می‌کند. تا عنوان جلب توجه می‌آید، شما به تبرج منتقل می‌شوید.

نتیجه‌گیری

مد محجوب که امروزه در بعضی از کشورهای اسلامی از آن صحبت می‌شود فی نفسه نباید باعث خوشحالی و غفلت ما شود. تنها به این دلیل که به جز وجه و کفین، خانم پوشش کامل دارد؛ این گونه نیست که بتوانیم حکم کنیم که از لحاظ فقهی هیچ مشکل و مانعی ندارد، قدر متیقن آن است که در قالب مد محجوب ماکسیمال (که دارای آرایش غلیظ و تبرج شدید است) از لحاظ فقهی قابل دفاع نیست.

ثانیا مسئله مد را باید در ذیل مدرنیتیه مورد فهم قراردهیم و آن را به عنوان بخشی از جهان مدرن بفهمیم و بعد درباره آن صحبت کنیم. وقتی می‌گوییم مد، بخشی از جهان مدرن است یعنی این مد قرار است با سینما ارتباط بگیرد. این مد در حال انجام پروسه‌ای است که فرایند تکمیلی این کار را سینما خواهد داد. قدم سومش را تئاتر انجام خواهد داد. قدم چهارمش را موسیقی انجام خواهد داد. قدم پنجمش را رقص انجام خواهد داد. در این صورت همه این موارد ذیل مدرنیتیه قرار می‌گیرند. و در این گونه موارد نباید هر عنوان را جداگانه متعلق فتوا قرار داد بلکه باید مجموع این امور در فرایند حکم مورد دقت قرار گیرند.

منابع

کتب

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، سید رضی، محمد بن حسین، (۱۳۸۷ش)، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ پنجم.
۱. ابن هشام، عبد الملك بن هشام، (بی تا) السيرة النبویه، بیروت: دار المعرفة.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۳ش)، من لا یحضره الفقیه، قم: نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
 ۳. انصاری، مرتضی بن محمدامین، (۱۴۱۹ق)، فرائد الاصول (رسائل)، قم: مجمع الفکر الاسلامی، چاپ ششم.
 ۴. حائری شیرازی، محی الدین، (۱۳۹۶ش)، تفکر، قم: نشر معارف.
 ۵. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ق)، وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، چاپ سوم.
 ۶. خوانساری، سید احمد، (۱۳۵۵ش)، جامع المدارک، تهران: مکتبه الصدوق.
 ۷. طبرسی، فضل بن حسن بن فضل، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
 ۸. طباطبائی حکیم، سید محسن، (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروه الوثقی، قم: موسسه دار التفسیر.
 ۹. علیرضا جوادزاده و موسی نجفی، (۱۳۹۰ش)، حکم نافذ آقا نجفی، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
 ۱۰. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، تفسیر قمی، قم: دار الکتب، چاپ سوم.
 ۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
 ۱۲. متقی الهندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، (۱۴۰۱ق)، کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرسالة، چاپ پنجم.
 ۱۳. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.
 ۱۴. محدث نوری، میرزا حسین، (۱۳۶۹ش)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: آل البيت علیه السلام.
 ۱۵. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۹۵ش)، میزان الحکمه، قم: موسسه فرهنگی دارالحديث، چاپ پانزدهم، https://zibanews.com/penny_lane_coats، ۲۰۲۳/۰۴/۳۰، glamourmagazine.co.uk

مقاله

۱. عشایری منفرد، محمد، پژوهش نامه علوم حدیث تطبیقی، سال ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۸، شماره ۱۰.